



<http://www.arianafghanistan.com>



مسئولیت متن، املاء و انشاء این نوشته بدوش خود نویسنده میباشد



۲۰۱۷/۱۰/۱۱

دوکتور محمد ظاهر عزیز

روز جهانی اطفال دختر

بر حسب گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، اطفال دختر در کشور های در حال توسعه هنوز در شرایط خیلی سختی زندگی می نمایند.

هر ده دقیقه، یک طفل دختر در جهان قربانی خشونت می شود، به همین دلیل از سال ۲۰۱۲ م تا کنون به ابتکار ترکیه، ۱۱ اکتوبر به عنوان (روز جهانی اطفال دختر) تجلیل گردیده، گرامی داشته می شود.

گزارشهای صندوق اطفال ملل متحد (یونیسف) نشان می دهد که ۶۲ میلیون طفل از یک میلیارد و یک صد میلیون طفل دختر در جهان از دسترسی به تعلیم و تربیه محروم هستند و به این صورت، اکثر محرومین تعلیم و تربیه با خطر بیسوادی نیز مواجه هستند.

از هر ۷ طفل دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله در جهان با اجبار ازدواج می کنند. در کشور های در حال توسعه از هر سه طفل دختر زیر ۱۸ ساله مجبور به ازدواج می شوند. در این کشور ها از هر ۹ طفل دختر نیز یک نفر قبل از پانزده ساله با جبر ازدواج می کند. یونیسف همچنان اعلام کرده که در حال حاضر ۷۰۰ میلیون زن در جهان قبل از یازده سالگی مجبور به ازدواج شده اند.

اطفال مادر:

به علت عدم آگاهی از روش های جلوگیری حاملگی در میان اطفال دختر که به اجبار ازدواج کرده اند بیشترین تعداد حاملگی ناخواسته در میان همین اطفال اتفاق می افتد. در کشور های در حال توسعه از هر ده طفل دختر ۹ نفر با حاملگی ناخواسته مواجه می شود.

روزانه ۲۰ هزار طفل دختر قبل از پانزده سالگی در کشور های در حال توسعه وضع حمل می کنند. مشکلات دوران حاملگی و وضع حمل مهمترین عامل مرگ و میر در میان مادران ۱۵ تا ۱۹ ساله در جهان است. دختران بیشتر کار می کنند:

صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در گزارش خود در سال ۲۰۱۶ م اعلام کرد که شصت میلیون طفل دختر ده ساله در جهان وجود دارد. در این گزارش آمده است که ده فیصد از اطفال دختر پنج تا چهارده ساله در هفته بیش از ۲۸

ساعت خود را صرف کار در خانه می کنند. ۷۵ فیصد از اطفال دختر که در مزارع کار می کنند، هیچ نوع حقوقی ندارند. این میزان در میان اطفال پسر ۶۴ فیصد است.

مرض ایدز مهمترین عامل مرگ در میان دختران:

بر اساس گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، ایدز عامل اول مرگ و میر در میان اطفال دختر ده تا نوزده ساله است. بر همین اساس خود کشتی عامل دوم مرگ و میر در میان اطفال دختر در همین سنین است. باید گفت که زیادهترین اطفال دختر در جهان به علت خشونت علیه آنها به زندگی خود خاتمه می دهند. بر طبق گزارش ماه سبتمبر ۲۰۱۷م یونیسف در باره یکصد و نود کشور جهان، ده میلیون دختر از جمعیت صد میلیونی دختران در سراسر جهان، قربانی از نوع جدی از خشونت و تجاوز جنسی هستند. بر طبق این گزارش یکصد و بیست میلیون دختر کمتر از بیست سالگی در کشور های مختلف، تجاوز با رابطه جنسی اجباری را تجربه کرده اند.

حالات زار اطفال دختر در کشور ما، افغانستان:

افغانستان هنوز هم یکی از بدترین کشور های جهان برای اطفال دختر و پسر محسوب می گردد. به احتمال زیاد تمامی انواع خشونت ها که در دیگر کشور های عقب مانده در آسیا، آفریقا، امریکای لاتین و یا کشور های عربی بر اطفال دختر با جبر تحمیل می گردند، نصیب اطفال دختر در افغانستان نیز است و تا حال هیچ نوع کوششی بنیادی برای بهبود حالت اطفال دختر در کشور ما صورت نگرفته است.

بر حسب گزارش سازمانهای بین المللی که احصایه آن نظر به مشکلات واضح کامل نیست، بیست و پنج فیصد مجموع نفوس افغانستان اطفال دختر است.

در افغانستان در حدود چهار میلیون طفل دختر که واجد شرایط رفتن به مکتب است، به تعلیم و تربیه دسترسی ندارند. اطفال دختر مانند اطفال پسر در افغانستان کار شاقه می نمایند و تعداد کثیر شان به هیچ نوع خدمات صحتی و غذایی کامل که عامل رشد جسمی و صحتی شان گردد، دسترسی ندارند و تعدادی هم با گدایی در سرکها و مزدوری، نان آور خانواده شان هستند. این نوع حالت در روی جاده ها و نواحی اطراف کابل و دیگر شهر ها به وضاحت دیده می شود.

بدتر از همه، اینکه هزار ها طفل افغان فدای اعمال غیر انسانی تروریست ها و یا بمباردمان هوایی عساکر خارجی و قوای هوایی کشور ما می شوند.

در حدود ۳۳ فیصد اطفال دختر افغان پیش از رسیدن به سن هژده سالگی با جبر به شوهر داده می شوند.

از نظر اینجانب، عامل اصلی خشونت علیه اطفال دختران و زنان افغان بیسوادی که بیش از هفتاد فیصد جامعه افغانی را تشکیل میدهد، است. تعداد کثیر هفتاد فیصد بیسوادان را زنان و دختران افغان تشکیل می دهند. به گمان اغلب بیش از هشتاد فیصد مجموع نفوس زن و دختر در افغانستان بیسواد هستند.

خوب میدانیم که بیسوادی عامل اصلی فقر، جهل، امراض و نا آرامی های خطر ناک اجتماعی محسوب می گردد. در طی مطالب ذیل اهمیت تعلیم و تربیه و کسب سواد را برای زنان و دختران افغان که وسیله نجات آنها از قید خشونت و مظالم روزمره و دوامدار خواهد شد، شرح میدهم:

ضرورت تعمیم تعلیم و تربیه و سواد آموزی برای دختران و زنان افغان:

تعلیم و تربیه به حیث وسیله اساسی و مؤثر برای انکشاف ارزشهای معنوی، استعداد های فکری، علمی، هنری و دفاع از حقوق انسانی یکی از آن فرایضی است که زن و دختر افغان نیز برای بقاء، توسعه شخصیت، کار شرافت مندانه، مشارکت در انکشاف مملکت، بهبود کیفیت زندگی، اتخاذ تصمیم آگاهانه، درک مسوولیت و حقوق فردی و اجتماعی، به آن اشد ضرورت دارند. ضرورت کسب چنین وسیله برای زنان و دختران افغان نه تنها وظیفه شخصی محسوب می گردد، بلکه می باید در قالب وظایف اصلی ملی افغانستان امروز با نظر داشت مفاهیم و واقعیت های ذیل بررسی و در عمل اجرا قرار گیرد.

کسب تعلیم و تربیه و سواد برای زنان و مردانی که دارای عقیده و فرهنگ اسلامی هستند، ادای فرض و احکام دینی و مدنی است.

دسترسی به تعلیم و تربیه برای همه از آن جمله برای دختران و زنان افغان یکی از اساسی ترین حقوق انسان ها به شمار می رود. ماده بیست و ششم، بند یک اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین حکم می کند:

" هر کس حق استفاده از تعلیم و تربیه را دارد. تعلیم و تربیه، حد اقل در مورد تعلیمات ابتدایی و اساسی، باید رایگان باشد. تعلیمات ابتدائی اجباری است. تعلیمات فنی و حرفوی بایدعمومیت یابد. هر کس باید، به صورت مساوی و بر حسب لیاقت خود، به تعلیمات عالی دسترسی داشته باشد."

تعلیم و تربیه متوازن و پیشرفته برای زنان و دختران در کشور ما در تساوی حقوق زن و مرد، همه حقوق، حق تعلیم و تربیه، حق دسترسی به کار، اشتراک در حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و بالاخره توانایی دفاع از شخصیت زن، مستلزم کوشش و تلاش بسیار است. همه دانشمندان و مؤسسات بین المللی به این عقیده اند که دسترسی دختران به تعلیم و تربیه راه و وسیله مؤثری را در تساوی حقوق متذکره بین زن و مرد هموار می سازد.

تعلیم و تربیه دختران و زنان یکی از بهترین سرمایه گذاری ملی است که در تقلیل قابل ملاحظه بیسوادی، جهل، فقر، گرسنگی و امراض کمک شایسته می کند. در حالتی که مردم و مملکت ما قرار دارند، شناخت سهم و توانایی تعلیم و تربیه برای زنان و دختران در جهت تقلیل مظاهر اجتماعی فوق امر ضروری و مهم است.

می گویند که با سواد ساختن یک مرد، با سواد ساختن یک شخص است، اما با سواد ساختن یک زن و دختر او، در حقیقت با سواد ساختن یک خانواده است.

تعلیم و تربیه به زنان و دختران توانایی می بخشد که در انکشاف و تنظیم حیات خانوادگی و اجتماعی سهم بیشتر و مفیدتر داشته باشند و به این صورت از طریق بهبود حیات خانوادگی وظایف اجتماعی خود را نیز با دانایی انجام

بدهند. اگر بهبود وضع صحتی، تعلیم اطفال و یا به طور کلی زندگی اجتماعی مورد نظر باشد، خوشبخت آن جوامعی هستند که در آموزش دختران و بهبود وضعیت زنان موفق بوده اند.

عدم دسترسی دختران افغان به تعلیم و تربیه در هر مقطع از زندگی آنان اثر می گذارد. همه متخصصین اقتصاد و امور اجتماعی، اهمیت تعلیم و تربیه عمومی را برای اطفال دختر و پسر در امر انکشاف عمومی (اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) به صورت جدی توصیه می نمایند. رابطه بسیار واضح بین زنان با تعلیم و پیشرفت در امور صحتی، اقتصادی و تنظیم حیات و امور خانوادگی و اجتماعی دیده می شود.

راپور جهانی تعلیم و تربیه یونسکو جنبه های مختلف این موضوع را مورد بررسی قرار داده و چنین نتیجه می گیرد "در غریب ترین مناطق جهان، دختران و زنان زنجیر و دایره ایرا تشکیل می دهند که در آن مادران بیسواد دختران بیسودی را بزرگ می نمایند که حاصل آن ازدواج قبل از وقت و تشکیل زنجیر و حلقه دیگری از فقر، بیسودی، کثرت اولاد و مرگ و میر است"

در وطن ما که چنین زنجیر و دایره ای به صورت واضح وجود دارد و اسباب فقر و صدها مشکل اجتماعی، اقتصادی و صحتی حاصل آن می باشد. می باید این زنجیر از طریق تعمیم تعلیم و تربیه و سواد حیاتی برای دختران و زنان افغان بشکند. این امر در تساوی حقوق زن و مرد و پایه های دیموکراسی نیز کمک می نماید.

یکی از مهمترین کنفرانس ها در سطح بین المللی، کنفرانس جهانی زن (پیکینگ ۱۹۹۵) بود که همه انواع تبعیض اعمال شده علیه زنان و دختران را بررسی نموده است و در مورد تساوی حقوق زن از طریق دسترسی مساوی دختران و زنان به تعلیم و تربیه، ریشه کن کردن بیسودی و بهبود وضعیت دسترسی مساوی آنان به تعلیمات حرفوی، علمی و فرهنگی و ادامه تحصیلات، توصیه های جدی نموده است.

اگر تخریبات و ضرر های عظیمی را که در دوره های تاریک فرهنگی و جنگ، متوجه تعلیم و تربیه دختران و زنان در افغانستان گردیده اند، اندکی کنار بگذاریم، عدم دسترسی دختران و زنان در دهات و شهر های کوچک به تعلیم و تربیه رسمی که اسباب بیسودی کامل زنان، فقر، گرسنگی، امراض و محرومیت ها را خلق نموده، تفاوت های بزرگی در تساوی حقوق، سویه فرهنگی و امکانات اشتراک زنان در انکشاف حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مملکت ما هم با مقایسه مردان و هم با مقایسه زنان شهر های بزرگ، بار آورده است.

پس لازم است بدانیم که از ضرورت های اول و اصلی این است که دولت در طرح یک سیاست و ستراتیژی متوازن، پیشرفته، با در نظر داشت امکانات عملی آن، با همکاری تمامی وزارت ها و مؤسسات مسؤول در تقلیل تفاوت های دسترسی و امکانات تعلیم و تربیه اساسی برای دختران و زنان، که این تفاوت ها، در بین ولایات مختلف، شهر های بزرگ، قریه ها و دهات وجود دارند، اقدامات عاجل صورت نماید.

پایان